

# داستان من

مریلین مونرو

ترجمہی معصومہ عسکری



نشر میلکان

# نه ن لتههه

mikhanam.com

سرشناسه: مولرو، مریلین، ۱۹۲۶ - ۱۹۶۲ م. Monroe, Marilyn

عنوان و نام پدیدآور: داستان من: مریلین مونرو ترجمه‌ی محمود عسگری

مشخصات نشر: میلکان، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۴۵-۳۳-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: آریا

یادداشت: عنوان اصلی: My story, 2000

موضوع: مولرو، مریلین، ۱۹۲۶ - ۱۹۶۲ م.

موضوع: بازیگران سینما، ایالات متحده، سرگذشتنامه

شناسه‌ی افزوده: عسگری، محمود، ۱۳۵۵، مترجم

رده‌بندی کنگرد: ۱۳۹۴۳/۲۲۷۷۷

رده‌بندی دیوئی: ۴۲-۲۸-۹۲/۷۹۱

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۳۹۲۱۲۰۱

# نامه زرتشتیان داستان من

مریلین مونرو

ترجمه‌ی معصومه عسکری

ویراسته‌ی نیایش ابطحی از «ویراستاریاشی»

نمونه‌خوانی امیر هوشنگ توکلی

مدیر تولید: کاوان بشیری

صفحه‌آرایی و آماده‌سازی: واحد تولید کتاب میلکان

چاپ نوزدهم، ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۲۵-۲۲-۲



نشر میلکان

[www.Milkan.ir](http://www.Milkan.ir)

[info@Milkan.ir](mailto:info@Milkan.ir)

## فهرست

- بیشگفتار، ۷
- چگونه بیانوی سفید را نجات دادم، ۹
- اولین گناهم، ۱۶
- در زنگ ریاضی اتفاق افتاد، ۲۴
- مثل گلی زیبا، زنی دل فریب شدم، ۲۸
- ناقوس ازدواج، ۳۲
- کوچه‌های بی عبور، ۳۵
- یک سرباز دیگر، ۳۹
- رؤبای جدیدی را شروع کردم، ۴۴
- بالا، بالا، بالاتر، ۴۶
- از آن سوی آینه به فکرم رسید، ۵۳
- چطور تقویمی درست کردم، ۵۷
- از چارچوب کاغذ پریدم بیرون، ۶۱
- مهمانی‌ها را نه، اما آقای آشک را دوست داشتم، ۶۸
- پلیس وارد زندگی‌ام شد، ۷۸
- کف اقیانوس، ۸۴
- اولین عشقم، ۸۶
- هدیه‌ای خریدم، ۹۴
- تور تبلیغاتی، ۹۹
- شروع من، ۱۰۳
- بالا پایین دوباره، ۱۰۸
- بازگشت به فاکس قرن بیستم، ۱۱۳

## پیشگفتار

پدرم میلتون اچ. گرین<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۵ درگذشت. اگرچه او عکاس مُد و پرتره‌ی معروف نیویورکی بود و رزومه‌ی درخشانی داشت، بیشترین شهرتش به‌خاطر عکس‌هایی بود که بین سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۷ از مریلین مونرو گرفت.

میلتون در پاییز ۱۹۵۳ به‌دنبال انجام کاری برای مجله‌ی لوک،<sup>۲</sup> مریلین مونرو را ملاقات کرد. آن‌ها خیلی سریع باهم ارتباط خوبی برقرار کردند، مثل آشنایی بی‌غل‌وغش دو بچه در ساحلی شنی. بعد هم سرخوشانه عکس گرفتند. دوستی گرم و صمیمانه‌ای بینشان شکل گرفت که روزبه‌روز هم بیشتر می‌شد.

سال بعد میلتون مریلین (در لس‌آنجلس، در منزل جوزف اشنک<sup>۳</sup> تولیدکننده ملاقات کرد. در آن موقع مریلین درگیر کار با آن تولیدکننده بود. بن هچت<sup>۴</sup> فیلم‌نامه‌نویس هم آنجا بود. خانه‌ی اشنک با آن اسباب و لوازم معرکه، نماهای فاخری برای عکاسی داشت. آن روز در کنار این عکاسی‌ها، بین آن چهار نفر صحبت از نوشتن زندگی‌نامه‌ی مریلین نیز به میان آمد که کتاب حاضر حاصل آن گفت‌وگوهاست. بعد از آن مریلین و بن هچت ماه‌ها باهم به سر بردند و شروع به نوشتن زندگی‌نامه‌ی مریلین کردند. قبل از ترک کالیفرنیا به مقصد نیویورک و زندگی با خانواده‌ی گرین، مریلین حرف‌هایش را گفت و بن هچت همه را نوشت. کتابی که می‌خوانید همان نوشته‌هاست.